

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (53), 2024 Publisher: Islamic Azad University – Najafabad Branch https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit E-ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/lyriclit.2024.1185764 
----------	---

Research Article

Received: 2 October 2024

Revised: 19 November 2024

Accepted: 12 December 2024

Online Publication: 21 December 2024

The Comparison of Lyric Elements in Khosro and Shirin, Leyli and Majnoun of Nezami Ganjavi with Hoday and Hodayoun and Gol and Nowrouz of Khajooe Kermani

Morteza Khoshniyat¹, Shahrooz Jamali², Morteza Razzaqpour³

1. PhD. Candidate, Department of Persian Language and Literature, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Abstract

In this article, we investigated and compared kind of lyrical elements used in the Masnavis of Khosro and Shirin, Leyli and Majnoun of Nizami Ganjavi with Masnavis Hoday and Hodayoun and Gol and Norouz. Cases such as contents and romantic elements, lyrical compositions and expressions, soft and gentle descriptions, sad and lonely atmosphere, connection and exile, lover and beloved, images and visual elements, mentality, language, point of view, and characters, were analyzed and compared. Nizami influenced Khajoo, and whether he has shown initiative and innovation, the comprehensive parts of lyrical and love topics in every Masnavi are interwoven with the poet's mentalities, feelings, and inner emotions, the present and past. Finding and establishing a connection between the lyrical relationship of both poets answers the questions in their works, what kind of elements have been given more importance in terms of lyrical elements that are not seen in other works? The general purpose of this thesis is to explain and compare the type of expression of lyrical elements in this research, we conclude that Khajooe Kermani, and Nizami Ganjavi, have brought the poetic concepts closer to folk and popular literature with smoothness and simplification.

Keywords: Comparison, lyrical Masnavi, Nezami Ganjavi, Khajooe Kermani.

Citation: Khoshniyat, M.; Jamali, Sh.; Razzaqpour, M. (2024). The Comparison of Lyric Elements in Khosro and Shirin, Leyli and Majnoun of Nezami Ganjavi with Hoday and Hodayoun and Gol and Nowrouz of Khajooe Kermani. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (53), 58-77. Doi: 10.71594/lyriclit.2024.1185764

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۲

انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

مقاله پژوهشی

مقایسه عناصر غنایی در خسرو و شیرین، لیلی و مجنون نظامی گنجوی با همای و گل و نوروز خواجوی کرمانی

مرتضی خوش نیت^۱، شهروز جمالی^۲، مرتضی رزاق پور^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: shahroozjamali@iauh.ac.ir

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

چکیده

در این مقاله به بررسی و مقایسه عناصر ادب غنایی به کار رفته در مثنوی‌های خسرو و شیرین، لیلی و مجنون نظامی گنجوی با همای و همایون و گل و نوروز خواجوی می‌پردازیم. مواردی از قبیل عناصر محتوایی و عاشقانه، ترکیبات و تعبیرات غنایی، توصیفات نرم و لطیف، فضای غم‌آلود و انزوای طلبانه، وصل و هجران، عاشق و معشوق، تصاویر و عناصر صوری، ذهن و زبان، زاویه دید، شخصیت‌های منظومه‌ها به تحلیل و مقایسه پرداخته شده است. این که خواجو به چه میزان تحت تأثیر نظامی بوده، یا ابتکار عمل و نوآوری‌هایی از خود نشان داده است، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بخش فراگیری از موضوعات غنایی و عشقی در هر منظومه غنایی با ذهنیات، احساسات و عواطف درونی، روزگار حال و گذشته شاعر عجین شده است. یافتن و الفت برقرارکردن بین مناسبات غنایی هر دو شاعر، به این پرسش پاسخ می‌دهد که در آثارشان به چه نوع مؤلفه‌هایی در بیان عناصر غنایی اهمیت بیشتری داده شده که در آثار دیگری مشاهده نمی‌شود؟ هدف کلی مقاله، مقایسه و تبیین نوع بیان عناصر غنایی در مورد پژوهش است. خواجوی کرمانی همچون نظامی گنجوی، با نرم‌سرایی و ساده‌سازی مفاهیم شعری را به ادبیات عامیانه و مردمی نزدیک کرده است. شواهد به دست آمده در این پژوهش، بیانگر آن است که مثنوی‌های نظامی گنجوی و خواجوی کرمانی در تعریف ویژگی‌های عناصر غنایی مشابهت‌هایی با هم دارند و سطحی از اختلاف در شیوه بیان مؤلفه‌های غنایی وجود دارد که این اختلافات برجسته به نظر نمی‌رسد.

کلیدواژه‌ها: عناصر غنایی، مثنوی عاشقانه، نظامی گنجوی، خواجوی کرمانی.

نحوه ارجاع به مقاله:

خوش نیت، مرتضی؛ جمالی، شهروز؛ رزاق پور، مرتضی (۱۴۰۳). مقایسه عناصر غنایی در خسرو و شیرین، لیلی و مجنون نظامی گنجوی با همای و گل و نوروز خواجوی کرمانی. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۴ (۵۳)، ۷۷-۵۸. Doi: 10.71594/lyriclit.2024.1185764

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



۱. مقدمه

هر نوع از آثار ادبی، مجموعه خصوصیات فنی، ظاهری و مشخصات و قوانین ویژه مختص به خود دارند. نوع حماسی، نمایشی، غنایی و تعلیمی هر یک شاکله خاصی دارا هستند. در ادب غنایی، واژه غنایی از ریشه «غنا» به معنی موسیقی و نواختن و آواز خواندن است و اصطلاح غنایی، برابر «لیریک» به زبان یونانی قدیم است که بعدها به ادبیات اروپایی راه یافته و در سال‌های اخیر در ادبیات فارسی و عربی رایج شده است. این واژه در ادب فارسی کلاسیک نبوده و پیشینیان اصطلاحی خاص مجموعه اشعار غنایی نداشته‌اند. مفهوم این اصطلاح به دو صورت بیان می‌شود: ۱- شعر کوتاهی که بیانگر ذهنیات و احساسات شاعر است. ۲- اثری که سروده شده است، تا از آن آوازی و ترانه‌ای ساخته شود. تصور بر این است که شاعر غنایی سرا و ترانه سرا، هر دو عمیق‌ترین و خصوصی‌ترین احساسات خود را بیان می‌کنند و ویژگی‌هایی مشترک دارند. غنا پاسخ فوری و احساسی شخص به نیازها، حوادث و رویدادهای زندگی است.

شعر غنایی، شعر احساسات و عواطف است. هر آن چه از احساس آدمی برآمده باشد، مانند: غم، شادی، آرزو، عشق در برگیرنده شعر غنایی است. نگرشی منفی به جهان و طبیعت در بیشتر آثار غنایی فارسی دیده می‌شود و حس غم و اندوه بر شوق و شادی غلبه دارد و عناصری چون غم و اندوه بسامد بیشتری دارد. زبان غنایی معمولاً زبانی آهنگین و لطیف است و الفاظ و کلمات در پیوند با موضوع و عواطف شاعر هستند. شعر غنایی در ایران نیز پیشینه‌ای کهن دارد. گائاه‌ها سروده‌های آیینی زرتشت، از نمونه‌های آغازین شعر غنایی است. این نوع شعر در کتاب بندش در ستایش اهورا مزدا گفته شده است. منظومه‌های در دست پژوهش، مشخصات کلی آثار غنایی را دارا هستند و به بیان احساسات شخصی شاعر می‌پردازند. بر این اساس با تکیه بر عناصر ادب غنایی، بررسی و تحلیل می‌شوند. این پژوهش به مقایسه عناصر غنایی و مؤلفه‌های محتوایی در منظومه‌های خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، همای و همایون و گل و نرروز می‌پردازد و عیان می‌سازد که در آثار دو شاعر چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در نوآوری‌های، عاطفی، ذهنی در این مثنوی‌ها وجود دارد، تا در این مقاله به شیوه‌ای علمی و با تکیه بر شواهد و مستندات شعری موجود در هر چهار اثر، به تحلیل و مقایسه‌ای درخور بپردازد.

۱-۱. بیان مسئله

شاعران فارسی زبان مانند دیگر شاعران در اشعار عاشقانه از شیوه‌های مختلف ادبی استفاده می‌کنند، به نحوی که روشی خاص در بیان زبان و عناصر غنایی خود پدید می‌آورند، با مقایسه، تشابه و تمایز این آثار نمایان می‌شود، وجوه افتراق آن با دسته‌های دیگر و حد و مرز هر طبقه مشخص شده و موارد ابهام در تعبیر از بین می‌رود. در آغاز کار پژوهش نخستین سؤال، میزان اهمیت عناصر غنایی در مثنوی‌های عاشقانه نظامی و خواجه است. برای نگارش مقاله مذکور پژوهش‌گر از روش توصیفی، تحلیلی استفاده کرده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مبتنی بر فیش برداری از منابع و مآخذ مورد اطمینان و علمی بوده و پس از فیش برداری در جهت اهداف و فرضیه‌های پژوهش اقدام شده است. بنابراین چستی عناصر غنایی و ظهور و بروز آن در چهار منظومه خسرو و شیرین، لیلی و مجنون از نظامی و مثنوی‌های همای و همایون و گل و نرروز از خواجه چگونه است و نسبت به پرسش‌هایی چون «شگرد زبان و ساختار، عناصر غنایی در متون منظوم مورد مطالعه از سوی هر دو شاعر به چه صورت قرار گرفته است؟ ساختار محتوایی کدام متن با شاخص‌های زبان و عناصر غنایی سازگاری و هم خوانی بیشتری دارد؟ همچنین بسامد شعر غنایی در کدام یک از این دو منظومه بیشتر است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

فریدونی با راهنمایی رزاق‌پور در تابستان (۱۴۰۱) با ارائه مقاله‌ای به بررسی مؤلفه‌های ادب غنایی در منظومه همای و همایون خواجهی کرمانی، در نشریه متن پژوهی ادبی پرداخته‌اند. در این مقاله بن مایه‌های این منظومه عاشقانه ذکر گردیده

است. بروستر نویسنده کتاب شعر غنایی است. کتاب او در سال (۱۳۹۵) توسط رحیم کوشش ترجمه شده است. بروستر در این کتاب به تعریف مفهوم و اصطلاح شعر غنایی، خاستگاه و تاریخچه و سپس به ویژگی‌های شعر غنایی در ادبیات غرب می‌پردازد که در تقسیم مؤلفه‌های غنایی از این کتاب سود جسته‌ایم. تحلیل وجه‌های غنایی در داستان‌های عاشقانه با تکیه بر خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی توسط ذاکری کیش (۱۳۹۷) در این مقاله داستان‌های بلند عاشقانه ادبیات فارسی ذیل نوع ادب غنایی جای داده شده است.

میرهاشمی در سال (۱۳۸۷) با نظیره‌های غنایی منظوم به بررسی چهار اثر غنایی از جمله همای و همایون خواجو - پرداخته است. لطفعلی صورتگر در سال (۱۳۴۵) با کتاب منظومه‌های غنایی ایران، برای اولین بار به توصیف ادبیات غنایی و تحلیل آن پرداخته است. این کتاب به عنوان سرآغاز تحقیقات انجام شده در خصوص پژوهش منظومه‌های غنایی ایران می‌توان به شمار آورد که برداشت‌هایی از این اثر در پژوهش حاضر به کار برده می‌شود. نقطه قوت این مقاله در این است که بن مایه‌های هر چهار منظومه عاشقانه تحلیل گردیده تا ارزش غنایی این منظومه‌ها مقایسه شود و جایگاه ادب غنایی در خاستگاه ارزشمند خود یادآوری و برجسته گردد.

۲. مبانی نظری

شعر غنایی، هنر بازتاب عشقی، مذهبی، فلسفی، روانی یا اجتماعی مبتنی بر تصویر و اندیشه است. هدف شعر غنایی، بیان احساسات، هیجان‌ها، واکنش درونی، لذات، عواطف، اندیشه‌های شاعران است که معمولاً در زمان حال است (انوشه، ذیل مدخل شعر غنایی). به طور کلی هر شعری که از «ذهنیت درونی» آدمی نشأت گرفته است جزو ادبیات غنایی محسوب می‌شود. با تحقیقات به عمل آمده ابداع شعر غنایی از یونان باستان سرچشمه می‌گیرد. «این اشعار چاهه‌هایی کوتاه بود که با نواختن ساز و بربط با نام «لیر» خوانده می‌شد که به اشعار لیریک مشهور شد» (صورتگر، ۱۳۴۵: ۶۱). «زبان» در دوران رمانتیسم، مورد توجه شاعران غنایی سرا قرار گرفت، آنان سعی کردند «از ناب‌ترین اشعار غنایی، برای تداوم بخشی به تأمل در استنتاج معنی مناسب استفاده کنند» (شُرر، ۱۳۷۳: ۶۳) و «زبان شعر ضمن موسیقایی بودن به زبان مردم جامعه هم نزدیک شود» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۸-۵۲). سه عامل تعیین‌کننده نوع یک اثر عبارتند از پیام، گوینده و مخاطب. این سه عامل اصلی و عوامل فرعی دیگری تعیین‌کننده نوع ادبی یک اثر به حساب می‌آید. یاکوبسن معتقد است نقش زبان و روند ایجاد ارتباط وقتی تأثیرگذار است که پیام ارسالی سراینده برای مخاطب معنایی داشته باشد و از سوی شاعر، رمزگذاری و از سوی مخاطب، رمزگشایی شود. او شش عنصر تشکیل‌دهنده فرآیند ارتباط یعنی؛ سراینده، مخاطب، مجرای ارتباطی، رمز و پیام و موضوع را عوامل مهم نقش‌های زبان شناسی می‌داند که شش کاربرد (عاطفی، کنشی یا ترغیبی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی و ادبی) دارند. این نقشی عاطفی و بیان‌گرانه، مربوط به تأثیر شاعر در خصوص موضوع و موقعیتی است که درباره آن صحبت می‌کند، پس جهت‌گیری پیام به سوی گوینده است. در کارکرد کنشی، جهت پیام به سوی مخاطب است و بیشتر از افعال امری یا ندایی استفاده می‌شود. در کارکرد ارجاعی، جهت پیام به سوی موضوع و در کارکرد فرازبانی، جهت پیام به سوی رمز و در همدلی، به سوی تماس است. در کارکرد ادبی، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است که زبان دارای نقش زیبایی‌شناختی می‌شود (انوشه، ذیل مدخل زبان‌شناسی ادبیات).

شاعران در منظومه‌های غنایی عاشقانه ایرانی به اقتضای درون مایه اشعار خود از مؤلفه‌هایی بهره گرفته‌اند که بر اثر آن‌ها رنگ و بویی غنایی به مثنوی خود بخشیده‌اند و شعر خود را از سایر آثار ادبی متمایز کرده‌اند. «شعر غنایی در دو معنا به کار می‌رود، ۱. اشعار کوتاهی که بیانگر اندیشه‌ها و احساسات شخصی شاعر است؛ ۲. اثری که سروده شده است تا از آن آوازی و ترانه‌ای ساخته شود» (بروستر، ۱۳۹۵: ۵). در پژوهش حاضر معنای دوم مد نظر است و بررسی‌های پژوهشگر نیز حول همین محور می‌گردد.

نظامی گنجهای و خواجوی کرمانی در منظومه‌های خود، با باز آفرینی عناصر غنایی - اساطیری کهنسال، مفاهیمی کهن بازگو کرده‌اند و در آثارشان می‌توان تا قدمت باورهای غنایی - اساطیری پیش رفت و به بررسی و مقایسه توصیفات آن‌ها پرداخت. اسطوره، در معنای عادی، افسانه‌ای است که خود به خود و به صورت طبیعی پا گرفته باشد. «در بحث صورخیال، عناصر اسطوره‌ای و افسانه‌ای در فضای ذهنی شاعر شکل می‌گیرد» (سارتر، ۱۹۴۷: ۱۲۱).

۱-۲. منظومه‌های غنایی نظامی گنجهای

نظامی را باید از شاعران خوش‌سخن و تأثیرگذار در عرصه منظومه‌سرایی در ادب فارسی به شمار آورد:

منم دانسته در پرگار عالم به تصریف و به نحو اسرارعالم
ز سر تا پای این دیرینه گلشن کنم گر گوش داری بر تو روشن
(نظامی، ۱۳۷۷، ۲۴۶: ۱۰-۱۳)

منظومه‌های نظامی مرکب از پنج مثنوی مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه و در پنج بحر مختلف است.

۱-۱-۲. منظومه خسرو و شیرین

این منظومه اثری داستانی از نوع غنایی و عاشقانه است که در بحر هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) با تعداد ابیات (۶۵۰۰) بیت رشته نظم درآمده است. نظامی اثری عرضه کرده که چون ویس و رامین مورد بی‌مهری قرار نگیرد. از این رو، با آب و رنگی که به داستان بخشیده، آن را سازگار با فرهنگ عصر خود کرده است.

۲-۱-۲. منظومه لیلی و مجنون

نظامی مثنوی لیلی و مجنون را در سال (۵۸۴هـ) از متن داستان‌های کهن عربی شروع کرد. لیلی و مجنون قریب به چهار هزار بیت، در بحر هزج مسدس اخرب محذوف (مفعول مفاعیلن فعولن) طی چهار ماه و نیم به نظم درآمده است.

۲-۲. منظومه‌های غنایی خواجوی کرمانی

۱-۲-۲. منظومه همای و همایون

همای و همایون، نخستین منظومه از مثنوی‌های خواجوی کرمانی است. این مثنوی به پیروی از نظامی ساخته شده و موضوع این داستان عاشقانه، عشق همای، پسر شاه شام و همایون، دختر فغفور چین، است که خواجو آن را از سال «۷۱۹» آغاز و به سال «۷۳۲» در «۳۰» سالگی به نام سلطان ابوسعید و وزیرش غیاث الدین محمد پایان برد (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۰۶۴).

۲-۲-۲. منظومه گل و نوروز

این مثنوی با موضوعی غنایی و عشقی بر وزن خسرو و شیرین نظامی در بحر هزج مسدس مقصور و محذوف به همان سبک و سیاق سروده شده است. گل و نوروز در عشق شاهزاده ایرانی به نام نوروز با دختر شاه روم به نام گل است. نهایت این عشق، وصال نوروز و گل؛ حاصل آن فرزندی به نام قباد است که جای پدر را می‌گیرد.

کسی کو نقش صورت‌های چین بست عروس قصه را زیور چنین بست
(خواجو، ۱۳۷۰، ۶۶۷: ۴۱۰۱)

۳-۲. ویژگی‌های منظومه‌های غنایی نظامی و خواجو

اولین ویژگی منظومه‌های غنایی فارسی را می‌توان به بن‌مایه‌های آن مربوط کرد. رایج‌ترین این بن‌مایه‌ها عبارتند از: عاشق شدن از طریق تصویر معشوق؛

کشمکش مستمر عاشق و معشوق؛

سفر؛

عشق با هدف ازدواج؛

شکوه کردن عشاق و انواع شکواییه‌ها؛

فرستادن پیام عشاق برای یکدیگر؛

وجود ناصح؛

ملاقات پنهانی؛

همدم و یاری‌گر؛

دسیسه؛

پایان خوش یا غمناک.

۱-۳-۲. شخصی‌سازی «من» غنایی و درون‌گرایی

در شعر غنایی شاعر درباره تجربه خویش با من شخصی خود سخن می‌گوید و به بیان پرشور احساسات با تأکید بر سادگی، صراحت، توانایی بر درونی‌بودن می‌پردازد. «من»ی که صدایش در شعر غنایی شنیده می‌شود، «من»ی است که خویش را مشخص می‌کند و خود را به صورت چیزی که با اجتماع و عینیت در تقابل است، نشان می‌دهد. این «من» بی‌واسطه به کسی مربوط نمی‌شود که ماهیت او به تصویر کشیده شود (بروستر، ۱۳۹۵: ۵۴). شعر غنایی، کلامی نشأت گرفته از ذهنیات و بازگشت به درون خویش و حرکت از عقل به سوی ذهنیت شاعر است. نگاهی به درون خویش و صمیمانه در باب خود سخن گفتن است. در این چهار منظومه، فاصله میان عاشق و معشوق باعث وجود این ویژگی‌ها می‌شود: ستایش، آرمان‌گرایی و قدرتی که در آن ساختار جنسیتی پیوند می‌خورد. «من» غنایی شاعر فضای عاطفی شعر را تقویت می‌کند، شعر را از قید زمان بیرون می‌آورد و «لحظه غنایی» گوینده را در لحظه خوانش مخاطب جاری می‌سازد:

بس کن ای جادوی سخن پیوند سخن رفته چند گویی چند

(نظامی، ۱۳۷۷، ۷۳۵: ۳)

۲-۳-۲. شخصی‌سازی «من» غنایی و درون‌گرایی در منظومه‌های نظامی

در هر چهار منظومه مورد پژوهش ما کم و بیش، هر دو شاعر به ویژگی شخصی‌سازی «من» غنایی و درون‌گرایی پرداخته‌اند و به ویژگی‌های شخصیتی معشوق و عاشق اهمیت داده شده است. هرچند منظومه از دید سوم شخص مفرد (شاعر یا نویسنده) روایت می‌شود و بیشتر به خصوصیات ظاهری آنها پرداخته شده، با این حال نظامی در منظومه‌های غنایی خود تا اندازه‌ای به خصوصیات درونی عاشق و معشوق پرداخته است. در منظومه خسرو و شیرین می‌بینیم که نظامی از زبان فرهاد عاشق و زاری او از عشق شیرین، به ذهنیات خود می‌پردازد:

من از عشق تو ای شمع شب افروز بدین روزم که می‌بینی بدین روز

(همان، ۳۰۶: ۱۹)

سبک‌رو چون بت قبحاق من بود گمان افتاد خود کآفاق من بود

(همان، ۳۰۶: ۱۹)

در بیت زیر نظامی با بیان حالت عتاب و سرپیچی مجنون، از کشمکش درونی که در خود فرو رفته می‌گوید:

بی یار منم ضعیف رنجور چون تشنه ز آب زندگی دور
(همان، ۵۷۵:۴)

بین خسرو و شیرین سخنانی عاشقانه و گله آمیز رد و بدل می شود. بیتی شورانگیز از زبان شیرین خطاب به اول شخص مفرد، بیانگر این مسئله است:

بساز ای بخت، با من روزکی چند! کلیدی خواه بگشای از من این بند
(نظامی، ۳۹۹:۱۳۷۰، ۳)

۳-۲. شخصی سازی «من» غنایی و درون گرایی در منظومه های خواجو

خواجو، با بیان احساسات شخصی اش، کارکردی عاطفی به اشعار خود داده است. او همانند نظامی بیان احوال خود را می سراید و این امر از من درونی او سرچشمه می گیرد. جهت گیری پیام به سمت گوینده است و بدون شک در مخاطب تأثیرگذار است و احساس دوسویه ایجاد می کند. نظامی و خواجو در طول سرایش منظومه های خود در جاهایی به بیان احساسات و عواطف درونی عاشق و معشوق و سپس به خود می پردازند. خواجو از لهو و لعبها، فراموش کاری ها و دور افتادن از مسیر اصلی با خود زمزمه می کند. او به نوعی رنگ صوفیانه به اشعارش می دهد.

گاهی باره در رود راندی ز چشم گهی گفתי و خون فشاندی ز چشم
(خواجو، ۱۳۷۰:۳۸۰:۲۵۰۹)

ایا ابر تردامــن تیره روی چرا تیره ای با من آخر بگوی
تو ای برف هم چون فتادی مرا نشستی و بر باد دادی مرا
(همان، ۳۸۰:۲۵۱۰:۲۵۱۱)

گاهی خواجو از خود (من راوی) می گوید. در اینجا جهت پیام به سوی حال درونی عاطفی شاعر کشانده می شود:

کسانی که در نیستی خو کنند ز هستی تبرا چو خواجو کنند
(همان، ۳۲۵:۱۳۳۰)

چو خواجو گر از خواجوی بگذری شود شاه گردون ترا مشتری
(همان، ۴۵۸:۴۲۴۳)

۴-۲. همراهی عاشقانه

شاعر عشاق منظومه خود را به خوبی در مسیر همراهی عاشقانه با نشان دادن بیان احساسات عاشقانه و وفاداری همراهی می کند.

۱-۴-۲. همراهی عاشقانه در منظومه های نظامی

عشق از عاطفه های احساسی مشترک انسان است. هر قدر از دایره عقل فاصله می گیرد، جلوه بیش تری پیدا می کند. به همین علت سبب جذابیت شعر غنایی می شود، عشق با شعر غنایی عجین است و شاعر عشاق منظومه خود را به خوبی در این مسیر با نشان دادن بیان احساسات عاشقانه و وفاداری و آوردن محتوایی زنانه، لطیف و مهرآمیز همراهی می کند:

عشق تو رقیب راز من باد زخم تو جگر نواز من باد
با زخم من ار چه مرهمی نیست چون تو بسلامتی غمی نیست
(نظامی، ۱۳۷۷:۶۴۲:۹-۱۰)

معمولاً درشتی‌ها و شکوائیه‌های عاشق حاکی از کشش معشوق و کوشش عاشق است:

درشتی کردندم نز خار پشستی است بسا نرمی که در زیر درشتی است
(همان، ۲۰۴: ۴۶۶۰)

۲-۴-۲. همراهی عاشقانه در منظومه‌های خواجو

هنگام به نظم درآوردن «گل و نوروز» خواجو از منظومه‌اش با لفظ «عشق نامه» یاد می‌کند. همان طور که از شاهد مثال‌های ارائه شده برمی‌آید، او همچون نظامی به کاربرد شعر غنایی در زندگی عاشقانه عشق می‌ورزد:

که خواجو چون تویی مرغ سخن‌ساز برآور از سر سرمستی آواز
زبان را تیز گردانی چو خامه کنی ترتیب نظم «عشق‌نامه»
(خواجو، ۱۳۷۰: ۲۶۸-۴۸۲: ۲۶۹)

آنگاه خواجو در سراسر منظومه خود در پرده عشق به نغمه‌سرایی می‌نشیند، آنچنان از سوز دل آهنگ می‌زند که خواننده با خویشتن خویش هم‌نوا می‌شود و از خداوند عشق می‌طلبد:

منور کن به نور خود دلم را مخمر کن به عشق آب و گل را
(خواجو، ۱۳۷۰: ۴۷۸: ۱۹۳)

در نظر خواجو طریق عشق راهی بی‌پایان است و انسان تهی از عشق بی‌جان شمرده می‌شود:

طریق عاشقی پایان ندارد کسی کاو دل ندارد جان ندارد
(همان، ۵۱۴: ۹۳۴)

۲-۵. عاشق شدن با دیدن چهره معشوق در خواب

آغاز حادثه عشقی یا از طریق شنیدن صداست و یا از طریق دیدن تصویر معشوق در خواب و رؤیاست که موجب عاشق شدن شخصیت اول منظومه می‌شود.

۲-۵-۱. عاشق شدن با دیدن چهره معشوق در خواب در منظومه‌های نظامی

معشوق‌ها و عاشقان از چند راه عاشق می‌شوند، ابتدا ممکن است در کودکی با دلدار خود رو در رو شوند یا در خواب با دیدن تصویر معشوق، عاشق شوند و یا با شنیدن صدای معشوق، عاشق شوند. این چنین کاربردی در منظومه‌های غنایی نظامی وجود دارد. در ابیات پایین از منظومه خسرو و شیرین نشان می‌دهد خسرو با دیدن نیای خود در خواب، بشارت به دست آوردن چهار نعمت از جمله معشوقش شیرین، داده می‌شود:

نیای خویشتن را دید در خواب که گفت ای تازه خورشید جهان تاب
اگر شد چار مولای عزیزت بشارت می‌دهم بر چار چیزت
(نظامی، ۱۳۷۷: ۱۶۶: ۴-۳)

شروع مواجهه عشقی به دو طریق شنیدن صدا یا دیدن تصویر معشوق است. در منظومه خسرو و شیرین، شیرین با تصویری که از خسرو می‌بیند، عاشق می‌شود:

چو شیرین نام صورت برد، گفتند که آن تمثال را دیوان نهفتند
(نظامی، ۱۳۷۰: ۱۷۶: ۱۵)

۲-۵-۲. عاشق شدن با دیدن چهره معشوق در خواب در منظومه‌های خواجو

در منظومه همای و همایون خواجو، تشابه هنگامی صورت می‌پذیرد که همای در نخجیرگاه به دنبال گوری به قصری راه پیدا می‌کند و بالای تخت زرین تصویر بتی زیبارو می‌بیند که بالای آن نوشته شده: «این تصویر همایون، دختر شاه چین است و اگر به چشم خود نظر کنی معانی بسیاری خواهی یافت». چون چشم همای بر همایون می‌افتد، دل می‌بازد و مست عشق او می‌شود. بنابراین مضمون عاشق شدن در خواب و رؤیا یا با دیدن چهره و یا شنیدن صدای معشوق در این چهار منظومه به اشکال مختلف دیده می‌شود:

همای اندران نقش حیران بماند بر آن صورت از دیده گوهر فشانند
(خواجو، ۱۳۷۰: ۲۸۹، ۵۸۸)

۲-۶. کشمکش مستمر عاشق و معشوق

شعر غنایی احساسات و عواطف را به یک محدوده کوچک منحصر می‌گرداند. عشق‌ورزی در مقابل رنجش عشاق در عین این که عاشق یکدیگر هستند، از هم گلايه دارند و شاعر آن را به نیرومندترین شکل خود ارائه می‌دهد. از تصویرسازی ذهنی از سوی شاعر با نشان دادن کنش و کشمکشی که در هر لحظه میان عاشق و معشوق روی می‌دهد، شاعر را وادار می‌کند تا موقعیت منظومه‌اش به تدریج تغییر کند. این کشمکش عاشق و معشوق در منظومه‌ها در ذهن شاعر و در مخاطب وقوع می‌یابد. در بیت پایین از مثنوی گل و نوروز خواجو، سوز و گداز نوروز از عشق گل با بیتی این‌گونه بیان می‌شود:

من از جادوی چشمش آن کشیدم که هرگز مثلش از طوفان ندیدم
(همان، ۶۵۸: ۳۹۱۳)

در محتوای منظومه عاشقانه، بخشی به موضوع اصلی بیان حالات و احساسات مربوط به وصال و فراق می‌پردازد. بدون استثناء، شاعر کم و بیش با به میان آوردن کنش و کوشش عاشق و معشوق به ستایش قهرمان زن پرداخته و از زیبایی و علو و عظمت او داد سخن داده است.

۲-۶-۱. کشمکش مستمر عاشق و معشوق در عشق با منظومه‌های نظامی

عرایس در منظومه‌های غنایی و عاشقانه نظامی، دور از دسترس، زیبا، پاکدامن، وفادار، خردمند، نیک‌منش و اهل بزم و گله‌مند از دوری عاشق به تصویر کشیده شده‌اند و این زمینه‌ها موجبات کشمکش مستمر عاشق و معشوق را فراهم می‌آورد:

صبوری از طریق عشق دور است نباشد عاشق آن کس کاو صبور است
(نظامی، ۱۳۷۷: ۱۲۸: ۲۹۲۴)

۲-۶-۲. کشمکش مستمر عاشق و معشوق در منظومه‌های خواجو

قهرمانان منظومه عاشقانه خواجو نقش بسیار فعال، پویا و پرتحرکی برعهده دارند. به همان میزان که عاشق در رسیدن به وصال هرگونه سختی را متحمل می‌شود، معشوق نیز به وی یاری می‌رساند. خواجو با نشان دادن عزم همای در عشق همایون، ترک وطن کرده و همایون با دیدن همای دل در گرو عشق او می‌بندد تا آن‌جاکه همچون «شیرین» در قسمتی از داستان، همایون دل‌آزرده از همای می‌شود و در نهایت به دنبال همای می‌رود:

بگیرش دست چون افتاده‌توست دلش ده چون ز جان دل‌داده‌توست
(خواجو، ۱۳۷۰: ۶۲۶: ۳۲۶۴)

از ویژگی‌ها و تشابه منظومه‌های خواجه با منظومه‌های نظامی، بن‌مایه عاشق شدن شاهزاده با وصف زیبایی‌های معشوق است که به شکل افسانه‌ای درآمده است. خواجه در منظومه گل و نوروز، به پیگیری مستمر عاشق در راه رسیدن به معشوق خود، شوق و خوفی هم به عالم بالا دارد.

دل و جان در ره سودای او باخت دو عالم تحفه سودای او ساخت
چو خواجه از جهان می‌رفت و می‌گفت و زین حسرت به مژگان سنگ می‌سفت
(همان، ۵۵۳: ۱۷۸۱-۱۷۸۲)

۲-۷. دور شدن از زادگاه با سفر

از تشابهات رایج در این چهار منظومه حوادث سفر به عنوان یک کهن الگو و اولین اقدام شاعر برای دیدار عاشق و معشوق است می‌توان به بن‌مایه سفر به عنوان یکی از ویژگی‌های این چهار منظومه اشاره کرد. عشاق برای دیدار یکدیگر در سفر با خطراتی مواجه می‌شوند. به دریا افتادن، اسیر شدن، جنگ با موجوداتی مانند دیو و اژدها سرنوشت عاشق و معشوق ابتدای سفر با انتهای آن متفاوت است.

۲-۷-۱. دور شدن از زادگاه با سفر در منظومه‌های نظامی

هر دو منظومه نظامی، عاشق و معشوق ابتدای سفر، با عاشق و معشوق انتهای سفر یکسانند. کوچ شیرین و رفتن او به مدائن، باعث تحول خاصی در او نمی‌شود:

به گلگون رونده رخت بربست زده شاپور بر فتراک او دست
و زان خوبان چو در ره پای بفشرد کنیزی چند را با خویشان برد
(نظامی، ۱۳۷۷: ۲۶۵: ۹-۱۰)

همچنین در منظومه لیلی و مجنون نظامی، آن‌گاه بعد از رفتن مجنون با پدر به خانه کعبه تحول خاصی در او صورت نمی‌پذیرد، بلکه عشقش به لیلی دو چندان می‌شود. عشاق نیز هنگام دوری، به هم نامه می‌نویسند:

فرزند عزیز را به صد جهد بنشانند چو ماه در یکی مهد
آمد سوی کعبه سینه بر جوش چون کعبه نهاد حلقه بر گوش
(همان، ۵۴۹: ۱۲-۱۳)

۲-۷-۲. دور شدن از زادگاه با سفر در منظومه‌های خواجه

در دو منظومه غنایی خواجه، معشوق همای و نوروز شاهزادگان غیر ایرانی‌اند و از سرزمین چین و روم برگزیده شده‌اند. معشوق چینی به زیبایی، دوری و افسانه‌ای بودن زبانزد است. تصویر معشوق، زمینه ساز این عشق می‌شود و این برخاسته از شهرت چین به داشتن صورتگران زبردست در ادب فارسی است. تحول عاشق و معشوق در منظومه‌های همای و همایون و گل و نوروز خواجه در ابتدای سفر با انتهای آن متفاوت است. به دریا افتادن، اسیر شدن و جنگ با موجوداتی مانند دیو و اژدها در این دو منظومه دیده می‌شود. عاشق و معشوق در پایان داستان پخته‌تر می‌گردند. معمولاً شاعر منظومه را با پروراندن حوادثی عجیب می‌کند:

خیال راه روم آورده در پیش سفر را نقش بسته با دل ریش
(خواجه، ۱۳۷۰: ۵۷۲: ۲۱۵۷)

در منظومه همای و همایون، همای در پی شکار آهو با اسب خود در دشت وسیع به تاخت می‌رود، پس از آن که چندی از کاروان همراه خود دور می‌شود، چشمش به یک پری‌زاد زیبارو می‌افتد که یک دل نه صد دل عاشق او می‌شود. نام آن

پریزاد زیبا همایون است. همایون هم دختر فغفور شاه، شاه چین است و این سفر یکروزه و دیدار کوتاه او با همایون سبب مسافرت همای به چین می‌شود:

بدین گونه می‌راند با درد و غم پس آنکه به سرحد چین زد علم
(همان، ۳۲۴: ۱۳۱۲)

هر دو منظومه عاشقانه خواجو، بر محور معشوقه‌ای ناشناخته و گمنام می‌چرخند. طرح اصلی منظومه‌ها ساده است. قهرمان تنها با شنیدن نام یا وصف جمال معشوق متعلق به سرزمینی دوردست، در دام عشقش گرفتار می‌شود. سپس عاشق بر می‌خیزد و به راه می‌افتد تا به معشوق بپیوندد و در نهایت به یمن استقامت و پشت‌کار، به وصال هم می‌رسند. آنچه به این دو منظومه تحرک می‌بخشد، فاصله جغرافیایی عاشق و معشوق است، عاشق شاهزاده‌ای دور از معشوق که در نهایت با ازدواج، عاشق و معشوق به پایان می‌رسد:

برو ترک این محنت آباد گیر لب دجله و راه بغداد گیر
(همان، ۳۲۴: ۱۳۳۰)

۸-۲. آیین ازدواج

عشق در این چهار منظومه با هدف ازدواج صورت می‌پذیرد. در منظومه «خسرو و شیرین» نظامی و مثنوی‌های «همای و همایون و گل و نوروز» خواجو، در نهایت؛ عاشق و معشوق به وصال هم می‌رسند.

۸-۲-۱. آیین ازدواج در منظومه‌های نظامی

در منظومه‌های نظامی عشق و وصال با عشقی زمینی، واقع‌بینانه، پاک و بی‌شائبه شروع می‌شود، حتی مراسم آن نیز منطبق بر آداب و مراسم و سنن قوی و ملی است، چنان‌که موضوع «مهریه» یا کابین که در موضوع وصلت، از سده‌ها پیش با اهمیت تلقی می‌شده و می‌شود. در منظومه خسرو و شیرین نظامی با همین ویژگی روبرو هستیم:

که گر خون گریم ز عشق جمالش نخواهم شد مگر جفت حلالش
(نظامی، ۱۳۷۷: ۲۲۱: ۲۴)

این ویژگی از آن‌جا سرچشمه می‌گیرد که انتظار عاشق و معشوق در این منظومه‌ها صرفاً وصال جسمانی نیست، بلکه تشکیل خانواده است و امری مقدس است. رابطه زناشویی زمانی که «جفت حلال» هم نشده باشند، به آن مبادرت نمی‌ورزند. دقت در پندهای میهن بانو با توصیفی که نظامی از واکنش شیرین دارد، تعیین‌کننده است. به کار بردن آیین مقدس ازدواج در منظومه‌ها موجب می‌شود تا روشنی بیشتری به موضوع بخشیده شود:

بسا گل را که نغز و تر گرفتند بیفکندند چون بویش بر گرفتند
تو خود دانی که وقت سرفرازی زناشویی به از معشوقه بازی
(همان، ۲۲۱: ۱۶-۲۰)

در ابیات پایین نظامی با مثنوی لیلی و مجنون به ماجرای خواستگاری مجنون از لیلی اشاره دارد و صرف نظر از نتیجه‌اش، ابتدا از زبان پدر مجنون با پابندی به رسوم خواستگاری، این آیین مقدس را ارج می‌نهد:

خواهم به طریق مهر و پیوند فرزندی تو را ز بهر فرزندی
(همان، ۵۴۲: ۲۱)

همچنین، نظامی در مثنوی «لیلی و مجنون» از زبان لیلی که ناخواسته و برخلاف رای و نظر خود، به تصمیم پدرش، به عقد شخص دیگری در آمده است، با کشمکش احساسات و ادراک خود، بین عشق و وظیفه سر درگم می‌ماند.

۲-۸-۲. آیین مقدس ازدواج در منظومه‌های خواجو

در این مورد خواجو نیز با منظومه همای و همایون به این آیین ارج می‌نهد. در آن‌جا نیز همایون پس از تحمل سختی‌ها به وصال معشوق می‌رسد، سالی می‌گذرد و پسری به نام جهانگیر نصیبش می‌شود و به عدل و داد می‌پردازد:

ز برج شهی اختری تابناک ز درج مهی گوهری آبناک
جهانجو به نامش جهانگیر خواند جهان بر جهان‌بین خویشش نشاند
(خواجو، ۱۳۷۰: ۴۵۷: ۴۲۰۸-۴۲۰۹)

خواجو در منظومه گل و نوروز خود، با اشاره و پایبندی به همین آیین مقدس، به ازدواج «نوروز» و «گل» می‌پردازد، مهران نوروز را معرفی می‌کند و چون قیصر درمی‌یابد که او شاهزاده است، همان شب گل را به عقد او در می‌آورد:

دو نسرین بر دو گل در یک گلستان دو سیمین تن دو سر در یک گریبان
(همان، ۱۳۷۰: ۶۷۶: ۴۴۸۲)

در منظومه‌های فارسی عشق اغلب با هدف ازدواج صورت می‌پذیرد. معمولاً عاشق و معشوق به هم می‌رسند و صاحب فرزند پسر می‌شوند که در مثنوی‌های ایرانی بر بقای نسل تأکید شده است. خواجو با مثنوی گل و نوروز، به تصدیق همین سنت بر دین احمدی پرداخته و موجبات تجدید عقد و نکاح گل و نوروز را فراهم می‌آورد:

به رسم موبدان بگرفت دستش معین کرد مهر و عقد بستش
(همان، ۱۳۷۰: ۵۱۹: ۱۰۴۹)

اهمیت دادن به مسائل اخلاقی و توجه به عرف بنیادین جامعه در مناسبات عاشق و معشوق در هر چهار منظومه کاملاً به چشم می‌خورد.

۲-۹. شکوه کردن عشاق

از دیگر شباهت‌های هر چهار منظومه مورد پژوهش، وجه شکوائیه است که انواعی دارد. نوعی از این شکوه‌ها، از جور و جفای یکی از عشاق به وجود می‌آید. گاهی عاشق شکوه‌های خود را با عناصر طبیعت بیان می‌کند:

من آن خاکم که بر صحرا فتادم بدینسان خویش را بر باد دادم
(خواجو، ۱۳۷۰: ۵۵۵: ۱۸۲۰)

۲-۹-۱. شکوه کردن عشاق در منظومه‌های نظامی

نظامی در منظومه خسرو و شیرین، از شکوه و عتاب شیرین در بی‌وفایی خسرو، به سبب ازدواجش با مریم (دختر قیصر روم) می‌گوید و ناخرسندی شیرین از این واقعه این‌گونه بیان می‌کند:

نبودم عاشق، ار بودم به تقدیر پشیمانم، خطا کردم، چه تدبیر
مزاحی کردم، او درخواست پنداشت دروغی گفتم او خود راست پنداشت
(نظامی، ۱۳۷۷: ۲۸۴: ۱۱-۱۰)

نظامی در منظومه لیلی و مجنون به توجیه رفتار جنون‌آمیز مجنون می‌پردازد و با شکوه از حال نابسامان و بخت ناموافق مجنون در مخالفت با ازدواج او با لیلی می‌گوید:

بخت بد من مرا بجوید بدبختی را ز خود که شوید
(همان، ۵۵۸، ۶)

۲-۹-۲. شکوه کردن عشاق در منظومه‌های خواجو

در بیان تشابه ویژگی شکوه کردن عشاق با منظومه‌های نظامی، خواجو نیز در منظومه‌اش به شکوه همایون از همای می‌پردازد. هنگامی که همای سه روز با سمن رخ دختر سهیل جهانسوز سر می‌کند، سپس به نزد همایون می‌رود که مورد گله و شکایت واقع می‌شود. خواجو در منظومه گل و نوروز از زبان عاشق و معشوق، شکوه سر می‌دهد و از فراق یار ناله و زاری می‌کند:

شب تاریک روزان را سحر نیست ز روز بیدلان تاریک‌تر نیست
دوای دل ندانم از که جویم غم پنهان ندانم با که گویم
(خواجو، ۱۳۷۰: ۶۳۹: ۳۵۲۲-۳۵۲۶)

گاهی عاشق شکوه‌های خود را با عناصر طبیعت بیان می‌کند. نوعی از این شکوه‌ها، از جور و جفای یکی از عشاق به وجود می‌آید، گل در بی‌خبری از حال عاشق شکوه سر می‌دهد، آن‌جا که می‌گوید:

دم از مستی مزن با می پرستان تو هشیاری چه دانی حال مستان
(همان، ۶۲۶: ۲۲۶۷)

۲-۱۰. حضور ناصح

از بن‌مایه‌های مشترک این پنج منظومه عاشقانه وجود ناصح یا ناصحانی است که عاشق را از عشق منع می‌کنند. ناصحان ممکن است پدر و مادر عاشق یا همراهان او باشند.

۲-۱۰-۱. حضور ناصح در منظومه‌های نظامی

ناصرحان عشاق را از عواقب عشق آگاه می‌سازند و بیم می‌دهند. در منظومه عاشقانه خسرو و شیرین نظامی، میهن بانو ملکه ارمن که سرپرستی شیرین را به عهده دارد، نصیحت‌کننده مؤثر در عشق خسرو و شیرین است. شیرین هم خود ارزش این پند را می‌داند:

چو شیرین گوش کرد این پند چون نوش نهاد این پند را چون حلقه در گوش
(نظامی، ۱۳۷۷: ۹: ۲۶۱)

۲-۱۰-۲. حضور ناصح در منظومه‌های خواجو

وجود ناصحان در منظومه‌های خواجو همانند منظومه‌های نظامی، در نقش پدر عاشق دیده می‌شود و نیز یاری جستن پدر از اشخاص دیگر، همچون همزاد و همراه او به شکلی در آغاز منظومه‌ها آمده است و در ابتدا سعی بر این است که او را از این عشق باز دارند:

چرا خویش را در جنون افکنی دل خسته در بحر خون افکنی
(خواجو، ۱۳۷۰: ۶۴۰: ۲۹۲)

وجود ناصحان در باز داشتن نوروز از سفر و بدنبال معشوق رفتن مؤثر نیست، او در عشق خود ثابت قدم است و پا در راه سفر می‌نهد:

مده پندم که عاشق نشنود پند حکایت تاکی و افسانه تا چند
(خواجو، ۱۳۷۰: ۵۵۵: ۱۸۰۴)

۲-۱۱. ملاقات پنهانی عاشق و معشوق

۲-۱۱-۱. ملاقات پنهانی عاشق و معشوق در منظومه‌های نظامی

در منظومه عاشقانه خسرو و شیرین، خسرو برای اولین بار هنگام شستن شیرین در آب، از او پنهانی دیدار می‌کند و این دیدار پنهانی بین عاشق و معشوق با اولین مواجهه عشاق اتفاق می‌افتد:

عروسی دید چون ماهی مهیا که باشد جای آن مه بر ثریا
(نظامی، ۱۳۷۷: ۱۹۳: ۱۱)

لیلی پنهان از چشم مجنون و از ترس بدگویان با فاصله از مجنون می‌نشیند و از پیر درخواست می‌کند که مجنون را به غزل‌سرایی وا دارد. مجنون در حضور عشق خود، لیلی سر از پا نمی‌شناسد. سپس با آهنگی حزن‌شکوه‌ای عاشقانه سر می‌دهد:

کرد آن گهی از نشید آواز این بیتک چند را سرآغاز
(همان، ۱۳۷۷: ۱۹۳: ۱۱)

۲-۱۱-۲. ملاقات پنهانی عاشق و معشوق در منظومه‌های خواجو

ملاقات پنهانی بین عاشق و معشوق، در مثنوی همای و همایون زمانی پیش می‌آید که همای قصد دارد همراه فغفور شاه به شکار رود، همای تمارض می‌کند و پنهانی به دیدار همایون می‌شتابد:

به باغ سمن‌زار ره برگرفت دل از شاه و نخجیرگه برگرفت
(خواجو، ۱۳۷۰: ۳۵۵: ۱۹۷۸)

همچنین در منظومه گل و نوروز نیز، نوروز شبانه پنهانی به رسم عیاران به شبستان گل می‌رود. گل در خواب است و نوروز محو جمال او می‌شود. چون به خود باز می‌آید، در حال انگشتی و خاتم خسروان خود را به دست «گل» کرده و از قصر بیرون می‌رود:

برون آمد چو مرغ از آشیانه چو مه شد در لباس شب روانه
(همان، ۱۳۷۷: ۳۵۵: ۱۸۰۴)

۲-۱۲. یاری‌رسانی و همراهی عاشقانه

نکته مهم و اساسی در زمینه یاری‌رسانی و همراهی عاشقانه، حضور فعالانه یاور قهرمان است که زمینه‌ساز رفع مشکلات و حل مسائل می‌شود. همدم و یاریگر، یکی دیگر از بن‌مایه‌های عشق است که در منظومه‌های غنایی ایفای نقش می‌کند و به عشاق کمک می‌رساند تا به هدف خود برسند. در مثنوی لیلی و مجنون نظامی، پیری یاری‌رسان دیدار عاشق و معشوق می‌شود:

ناگاه پدید شد همان پیر کز چاره‌گری نکرد تقصیر
در راه و روش چو خضرپویان هنجارنمای و راه‌جویان
(نظامی، ۱۳۷۷: ۶۵۲: ۱۰-۹)

۲-۱۲-۱. یاری‌رسانی و همراهی عاشقانه در منظومه‌های نظامی

اشخاصی عاشقانه ایفای نقش می‌کنند که همراه عاشق و معشوق هستند و به آنان کمک می‌رسانند تا به هدف خود برسند. شاپور و میهن بانو در منظومه خسرو و شیرین و نوفل در منظومه لیلی و مجنون نظامی، همراه و یاری‌گر عشاق هستند:

زمین بوسید شاپور سخندان که دائم باد خسرو شاد و خندان

(همان، ۱۷۲: ۷)

در مثنوی لیلی و مجنون، نظامی به شرح ستیز نوفل با قبیله لیلی می‌پردازد، او که به طرفداری و یاریگری از مجنون وارد این معرکه شده است، به نوعی یاریگر و یاری‌رسان عاشق است:

لیلی به من آورید حالی و نه من و تیغ لایالی

(نظامی، ۱۳۷۷: ۵۷۵: ۱۴)

۲-۱۲-۲. یاری‌رسانی و همراهی عاشقانه در منظومه‌های خواجو

بهزاد، همزاد همای و فهرشاه پسر عموی منوشنگ شاه در تمام مراحل سفر یاریگر و یاری‌رسان او هستند:

روان گشته با شاه گیتی پناه گر انمایه بهزاد با فهرشاه

(خواجو، ۱۳۷۰: ۳۱۷: ۱۱۶۴)

در منظومه گل و نوروژ خواجو، لهراسب و فرزندش مهران همراه و یاری‌گر نوروژ هستند:

اگر او موبد اینش پیش میرد و گر او پوید اینش پیش گیرد

(همان، ۵۲۹: ۱۲۶۹)

۲-۱۳. به کاربردن خدعه، نیرنگ و جادو

۲-۱۳-۱. به کاربردن خدعه، نیرنگ و جادو در منظومه‌های نظامی

این بن‌مایه جذابیت منظومه‌های نظامی را دو چندان می‌کند، یکی از این دسیسه‌ها خبر دروغین مرگ معشوق به فرهاد در مثنوی خسرو و شیرین نظامی است:

ز نزدیکان خود با محرمی چند نشست و زد درین معنی دمی چند

که با این مرد سودایی چه سازیم بدین مهره چگونه مهره بازیم

(نظامی، ۱۳۷۷: ۳۰۰: ۷-۸)

۲-۱۳-۲. به کاربردن خدعه و نیرنگ و جادو در منظومه‌های خواجو

فغفور شاه، همایون را در سردابه پنهان و خبر مرگ دروغین او را اعلام می‌کند:

چو گنجی به گنجی مکان ساختش ز گلشن به گلخن درانداختش

(خواجو، ۱۳۷۰: ۴۲۳: ۳۲۲۷)

با خبر مرگ دروغین همایون، همای پس از شنیدن این خبر سر به بیابان می‌گذارد:

ز دیوانگی سر به صحرا نهاد چو دیوانه در کوه و صحرا فتاد

(همان، ۴۱۶: ۳۳۰۳)

به کاربردن خدعه و نیرنگ و جادو در منظومه گل و نوروز خواجو، با طلسم گل بوسیله طوفان جادو و زندانی کردن او رقم می خورد، سپس نوروز وارد عمل می شود، گل و یاریگر خود، بهزاد را پس از کشتن طوفان جادو از بند رها می سازد:

به دست تست قتل آن فسونگر نباشد جز تو کس را این میسر
(همان، ۶۵۷: ۳۸۹۶)

سعدان بازرگان در منظومه همای و همایون، از مکان دژ زرینه، محل پنهان شدن جادوگری به نام زند جادو به همای خبر می دهد و خبر از اسیر شدن دختر خاقان چین، همایون، را می آورد:

شبی زند جادو کمین برگشود مرا همچو باد از زمین دربرود
(همان، ۳۳۷: ۱۵۸۹)

۱۴-۲. فضای غم آلود و انزواطلبی

۱۴-۱-۲. تشابه در فضای غم آلود و انزواطلبانه در منظومه های نظامی

در اشعاری از نظامی که به بیان احساسات مربوط به وصال و فراق می پردازد؛ با این که گاهی مجالس بزم و عشرت توصیف می شود و انسان با شنیدن آن ها احساس شادی می کند، اما نوعی غم درونی بر وجود عاشق مستولی است که بر فضای داستان اثرگذار است:

زبس سردی، که چون یخ شد سرشتم فسون هر دو را بر یخ نوشتم
غمش را کز شکیبایی فزون است من غمخوار می دانم که چون است
(نظامی، ۱۳۷۷، ۳۸۹: ۲-۱)

شرح فضای غم آلود و انزواطلبانه در خسرو و شیرین نظامی با ابیاتی؛ جگر خوردن، غم خوردن، رنج کشیدن و آزردهن عاشق در جای جای این منظومه آمده است:

جگر خور کز تو به یاری ندارم ز تو خوشتر جگرخواری ندارم
(همان، ۹۵: ۲۱۵۶)

نظامی در منظومه خسرو و شیرین از خون خوردن، غصه خوردن و غمگین بودن فرهاد سخن می گوید:

مخور خونم که خون خوردم ز بهرت غریبم آخر ای من خاک شهرت
(همان، ۳۰۸: ۱۵)

مجنون وقتی می بیند گره در کارش افتاده و مانع از رسیدن او به لیلی شده، دچار غم و اندوه و انزوای درونی می شود:

این گفتم و فتاد بر سر خاک نظارگیان شدند غمناک
(همان، ۵۴۸: ۱۶)

مجنون که به گواهی دل خود حضور لیلی را دریافته است. در آن لحظه با آهنگی حزین شکوه عاشقانه سر می دهد.

جز در غم تو قدم نداریم غم دار توئیم غم نداریم
(همان، ۶۵۶: ۳)

۱۴-۲-۲. تشابه در فضای غم آلود و انزواطلبانه در منظومه های خواجو

در مثنوی های غنایی این فضا به بیان احساسات فراق و هجر یا وصال می پردازد. وصف مجالس بزم که انسان معمولاً با شنیدن آن احساس طرب می کند، اما نوعی غم درونی بر زبان عاشق جاری است که باعث غم آلودگی فضای منظومه می شود.

این غم بازتاب غم و اندوه، درد و رنج شاعر است که در مثنوی‌های سبک عراقی بازتاب آن ملموس‌تر دیده می‌شود. «نوروز» در انزوای غم درونی خود در عشق «گل»، فرو رفته و به دنبال چاره‌جویی برای سفر به روم و رسیدن به «گل» است:

دلم چون شمع در ایوان گرفتست چو گوهر خاطریم در کان گرفتست
(خواجو، ۵۰۴، ۱۳۷۰: ۷۳۰)

از مجموعه آن چه در منظومه‌های همای و همایون و گل و نوروز خواجو مطرح شده است، منظومه‌هایی عاشقانه، ماجراجویانه و شگفت‌انگیز است. خواجو در انزوای درونی خود که در طاس عشق و عرفان نظری افتاده، منظومه‌ای می‌سازد، با قصه‌های عاشقانه و عارفانه و پرماجرا، آن هم منظومه‌های همای و همایون و گل و نوروز که با طبع ملول و ماجراپسند خواجو و مردمان روزگار خود سازگار است و لاقط موجبات انصراف، از افسردگی‌ها و ملال‌های زمانه را فراهم می‌آورد. از نگاه خواجو سرنوشت عاشق به هنگام غم و اندوه به آسمان گره می‌خورد:

چو فیروز ارچه با تاج و نگینی ازین پیروزه پیروزی نبینی
(خواجو، ۱۳۷۰: ۵۸۷: ۲۴۷۰)

اشک ریختن و اندوه بخشی از حالات عشاق است:

زمزگان آستین را پر گهر کرد زمرد را به لعل ناب تر کرد
(همان، ۶۲۶: ۳۲۶۶)

خواجو در فضایی غم‌آلود و انزوای طلبانه با تنوع در ابیات از ناپایداری روزگار سخن می‌راند:

وگر باشی امیر روم و کشمیر بمیری چون زمانه گویدت میر!
(همان، ۵۶۰: ۱۹۱۸)

۱۵-۲. تمرکز بر روی شخصیت‌های اصلی

۱۵-۲-۱. تمرکز بر روی شخصیت‌های اصلی در منظومه‌های نظامی

نظامی شخصیت‌ها را شفاف و روان معرفی می‌کند، شخصیت دلخواه نظامی با مخاطب نیز به راحتی ارتباط برقرار می‌کند. در این جا حس شاعر به مخاطب منتقل می‌شود و این هنر خلاقیت نظامی است. در قصه فرهاد با شیرین می‌بینیم که چگونه با ایجاز شخصیت و شغل و دانش فرهاد، با عناوین مهندس، مرد استاد، فرزانه فرهاد و کوهکن معرفی می‌شود:

که هست اینجا مهندس مرد استاد جوانی نام او فرزانه فرهاد
(نظامی، ۱۳۷۷: ۲۹۰: ۱۹)

درآمد کوهکن مانند کوهی کزو آمد خلایق را شکوهی
(همان، ۲۹۱: ۱۸)

نظامی همچنین در منظومه لیلی و مجنون با توصیف کنایی شخصیت لیلی، به بیان جمال و احوال او می‌پردازد و از جنبه‌های ظاهری و زیارویی او می‌گوید:

سر دفتر آیت نکویی شاهنشاه ملک خوبرویی
(همان، ۵۶۰: ۴)

در نگاه نظامی، شخصیت مجنون این گونه وصف می‌شود.

مستوری راه دل‌نوازی زنجیری کوی عشق بازی
(همان، ۵۳۷: ۲۱)

۲-۱۵-۲. تمرکز بر روی شخصیت‌های اصلی در منظومه‌های خواجه

با مهارت خواجه، شخصیت‌ها در ذهن پرورش می‌یابند، پذیرفته می‌شوند و خود نیز دگرگون می‌شوند. از نظر یاکوبسن پیام بین شاعر و مخاطب دوسویه است. خواننده از طریق توصیفات، گفت و گوها و رفتار اشخاص ارتباطی تنگاتنگ با شاعر برقرار می‌کند؛ حس شاعر و مخاطب مشترک می‌شود. آنچه در آثار غنایی خواجه مهم است، تأکید و توجه روی جنبه‌های ظاهری و اخلاقی و شخصیتی افراد است. حضور شخصیت اول منظومه‌های خواجه یعنی، همای و همایون، گل و نوروز نسبت به دو منظومه عاشقانه نظامی، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون به لحاظ «تمرکز بر روی جنبه‌های ظاهری شخصیت‌های اصلی پربسامدتر است؛ زیرا که با عنوان ملک‌زاده، همای و همایون، شهزاده، شهنشه با ویژگی‌های زیبارو، جنگاور، عاشق پیشه و مانند آن در قسمت‌های مختلف منظومه ذکر شده است» (فریدونی، رزاق‌پور، ۱۴۰۱: ۱۴۷):

چه گویم جوانی چو سرو سهی فروزان مهی ز آسمان مهی
(خواجه، ۱۳۷۰: ۲۸۸: ۵۶۳)

۲-۱۶. مقایسه بسامد ویژگی‌های غنایی در چهار مثنوی

مطابق عناوین آورده شده در جدول، آمار و درصد تأثیر از بسامد ویژگی‌های غنایی در هر چهار مثنوی که به صورت دو به دو با هم مقایسه شده‌اند، در ادامه نتایج به دست آمده را مشاهده می‌کنیم:

جدول ۱-۱: آمار و درصد بسامد ویژگی‌های غنایی

مقایسه	منظومه	خواب رؤیا و تمثال	همراهی عاشقانه	حضور ناصح	رفتن به سفر	ملاقات پنهانی	نیرنگ و خنده	کشمکش عاشقانه	شکوه	غم و انزواطلبی	پایان خوش	جمع
مقایسه	خسرو و شیرین	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۷	۷	۱۰	۱۰	۷	۷	۸۸
	گل و نوروز	۷	۱۰	۷	۱۰	۷	۷	۷	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۷۵
	لیلی و مجنون	۵	۷	۱۰	۵	۱۰	۵	۱۰	۱۰	۱۰	۵	۷۷
	همای و همایون	۱۰	۵	۷	۱۰	۵	۷	۱۰	۷	۷	۱۰	۷۸
مقایسه	خسرو و شیرین	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۹/۹	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۸۸
	گل و نوروز	۷/۱	۹/۹	۷/۱	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۷/۱	۵/۱	۵/۱	۹/۹	۷۵
	لیلی و مجنون	۵/۱	۷/۱	۹/۹	۵/۱	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۱۰/۱	۵/۱	۷۷
	همای و همایون	۹/۹	۵/۱	۷/۱	۹/۹	۵/۱	۷/۱	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۹/۹	۷۸
مقایسه	خسرو و شیرین	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۹/۹	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۸۸
	گل و نوروز	۷/۱	۹/۹	۷/۱	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۷/۱	۵/۱	۵/۱	۹/۹	۷۵
	لیلی و مجنون	۵/۱	۷/۱	۹/۹	۵/۱	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۹/۹	۱۰	۵/۱	۷۷
	همای و همایون	۹/۹	۵/۱	۷/۱	۹/۹	۵/۱	۷/۱	۹/۹	۷/۱	۷/۱	۹/۹	۷۸

۳. نتیجه گیری

تحلیل صورت پذیرفته بیانگر آن است که بن‌مایه‌های غنایی تعریف شده در این پژوهش به‌وضوح با کمی بالا و پایین شدن مؤلفه‌ها نشان می‌دهد، هر چهار مثنوی در جرگه خاص ویژگی‌های منظومه‌های غنایی قرار دارند. همان‌گونه که جدول آمار نشان می‌دهد، سنجش، میانگین و تناسبی که به‌صورت ضعیف، متوسط و قوی مشخص شده، در بین چهار منظومه، مثنوی «خسرو و شیرین» از دیگر منظومه‌ها در پرداختن به بن‌مایه‌های غنایی در بسامد بالاتری قرار گرفته است. منظومه‌های غنایی نظامی و خواجو، دو روش و رویکرد متفاوت، به مفهوم «عشق» و بیان «رابطه عاشقانه» ارائه می‌دهند.

نظامی با شیوه داستان‌های عاشقانه به رابطه دوسویه «عاشق و معشوق» پرداخته است. او به توصیفات ظاهری معشوق می‌پردازد. نگرش خواجو به مفهوم عاشق و معشوق و «عشق»، تأثیر پذیرفته از دیدگاه عرفانی و اوضاع و تحولات اجتماعی سیاسی دوره اوست. زبان خواجو، گاه عاشقانه و زمینی است و گاه عارفانه، متعالی و آسمانی است. مهمترین شاخصه‌های ادب غنایی که در منظومه‌های نظامی و خواجو با هم مشترک‌اند، عبارتند از: فعال بودن عاشق و معشوق، عاشق شدن در خواب یا تصویر، درگیری مستمر عاشق و معشوق، سفر، عشق با هدف ازدواج در منظومه‌ها که با وجود تشابهاتی آمده است. با نگاهی ابتدایی به دو مثنوی خواجو، مخاطب ابتدا احساس می‌کند با منظومه‌هایی افسانه‌ای، عیاری عاشقانه و ملال‌آور روبروست اما با تأمل و دقت نظر موشکافانه، ابتدا از نام‌گذاری منظومه‌ها و سپس با خوانش متن اصلی معلوم خواهد شد که در هر دو اثر خواجو منظومه‌ای با محتوایی غنایی همراه با مهارت‌هایی چند وجهی با شیوه‌ای خلاقانه سروده شده است. قصه منظومه‌های خواجو ویژگی‌های تام و تمام یک منظومه غنایی را با کمی فقر در بن‌مایه‌های داستانی نشان می‌دهد. این فقر در منظومه‌های «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی مشاهده نمی‌شود. از بن‌مایه‌هایی که بین هر چهار منظومه مشترک است، شاه و آرزوی فرزندآوری پسر؛ سپس عاشق شدن شاهزاده و کنش‌های گریز و ناگزیر اوست.

عاشقانی که در منظومه‌های خواجو می‌بینیم، همای و نوروز هستند که با انگیزه و هوشیار و باتوان عمل می‌کنند و به دنبال هدف خود می‌روند، از مصیبت‌ها نمی‌هراسند، دست به ماجراجویی می‌زنند و در برابر معشوق برابری می‌کنند و در پایان برخلاف منظومه‌های نظامی به‌خصوص «لیلی و مجنون»، به وصال معشوق خود می‌رسند. ذهن نظامی در منظومه‌ها به سوی حکمت سوق دارد، ولی ذهنیت خواجو به عرفان نزدیک است. نظامی با منظومه‌های بزمی خود در تلطیف عواطف و تربیت اخلاقی و انسانی می‌کوشد. به همین جهت تصاویر شعری نظامی از تناسب و هماهنگی با یکدیگر بهره می‌برند. در دو منظومه غنایی «همای و همایون و گل و نوروز» خواجو مسئله به شکل دیگری است. خواجو از اسلوب شاعران و متقدمان قبل از خودش بهره جسته، زیرکی در به کار بردن کلمات چندپهلوی ابداع تصویرهای خیالی و صور خیال و تصویرسازی‌ها در اشعار خواجو خود نوعی تازگی ایجاد کرده است. در اشعار حسی و عاطفی خود، تجربه مستقیم ندارد و شخصیت بخشیدن به اشیا و پدیده‌های غیرانسانی ایجاد نوعی حرکت در شعر کرده است.

منابع

- انوشه، حسن (۱۳۷۶). *فرهنگ نامه ادبی فارسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- بروستر، اسکات (۱۳۹۵). *شعر غنایی*. ترجمه رحیم کوشش. تبریز: سبزان.
- پاینده، حسین (۱۳۸۲). *گفتمان نقد*. تهران: روزگار.
- خواجوی کرمانی، کمال الدین ابوالعطا (۱۳۷۰). *خمسه*. تصحیح نیاز کرمانی، سعید. کرمان: دانشگاه کرمان.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *یکصد منظومه عاشقانه فارسی*. تهران: چرخ.

سارتر، ژان پل (۱۳۴۷). *ادبیات چیست*. ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی. اصفهان: زمان.

صورتگر، لطفعلی (۱۳۴۵). *منظومه‌های غنایی ایران*. تهران: چاپ اقبال.

نظامی گنجهای، الیاس بن یوسف (۱۳۷۷). *خمسه*، بر اساس چاپ مسکو- باکو. شرح نعمانی، شبلی. تهران: جاویدان.

شُرر، مارک (۱۳۷۰). *صناعت، ابزار کشف*. نشریه کیان. ترجمه مریم خوزان. ۱ (۲)، ۶۳-۵۶.

فریدونی، پروانه؛ رزاق‌پور، مرتضی (۱۴۰۱). *بررسی مؤلفه‌های ادب غنایی در منظومه همای و همایون خواجه کرمانی*. *متن پژوهی/ ادبی*. ۲۶ (۹۴)، ۲۹۲-۲۶۱.

References

- Anousheh, H. (1997). *Dictionary of Persian Literary Names*. Tehran: Printing and Publishing Organization [In Persian]
- Brewster, S. (2015). *Lyrical Poetry*. Rahim Surah (Trans.). Tabriz: Sabzan. [In Persian]
- Khajooye Kermani, K. Abu Al-Ata (1991). *Khamseh*. Niaz Kermani, Saeed (Ed.). Kerman: Kerman University Press. [In Persian]
- Payandeh, H. (2003). *Discourse of Criticism*. Tehran: Roozgar publication. [In Persian]
- Sartre, J. P. (1968). *What is Literature?* Abolhasan Najafi and Mustafa Rahimi (Trans.). Isfahan: Zaman. [In Persian]
- Schorer, M. (1994). Sanat, the Discovery Tool. Maryam Khozan (Trans.). *Kian*. 1 (2), 56-63. [In Persian]
- Souratghar, L. A. (1966). *The Lyrical Poems of Iran*. Tehran: Eqbal. [In Persian]
- Zolfaqari, H. (2012). *One Hundred Persian Romantic Poems*. Tehran: Charkh publication. [In Persian]
- Alias abn yousof, N.G. (1998). *Khamsaeh, Description of Moscow-Baku Edition*. Nomani, Shabli (Effo.). Tehran: Javidan. [In Persian]
- Fereydouni, P. & Razaqpour, M. (2022). Examining the components of lyrical literature in the poem of Homay and Homayoun Khajooye Kermani. *Text of Literary Research*. 26 (94), 261-292. [In Persian]